گزارش

زهرا چیذری

رتبه‌داری ایران در مصرف انرژی سالانه ۲۷ هزار نفر را می‌کشد!

با کاهش دمای هوا، چالش تکراری آلودگی و پدیده وارونگی هوا هم دوباره گلوی ساکنان کلانشهر تهران را فشار می‌دهد. روز گذشته هم کیفیت هوا برای سومین روز متوالی در شرایط «ناسالم برای گروه‌های حساس» قرار گرفت. ریشه‌های این آلودگی هم مشخص است و متهم ردیف اول آلودگی هوا سوخت‌های فسیلی و احتراق ناقص آن در خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده است. خلاصه اینکه ایران از لحاظ میزان مصرف انرژی رتبه اول در جهان را دارد که ۲/۵ برابر میزان مصرف انرژی در دنیاست. پس اگر بتوانیم مصرف انرژی را کنترل کنیم و به حداقل برسانیم، می‌تواند راهکاری برای نجات شهرها از آلودگی هوا باشد و از مرگ سالانه ۲۷ هزار نفر بر اثر آلودگی هوا جلوگیری کند. با وجود این رانت و فساد در حوزه اسقاط وسایل نقلیه فرسوده موجب شده خروج این وسایل از سیستم حمل و نقل و استانداردسازی مصرف انرژی با چالش مواجه شود.

براساس آمارهای وزارت بهداشت، سالانه حدود ۲۷ هزار مرگ و میر منتسب به آلودگی هوا در کشور ثبت می‌شود. آماری که فراتر از آمار کشته‌شدگان در تصادفات جاده‌ای است، اما از آنجایی که این مرگ‌ها به شکل تدریجی رخ می‌دهد و این قاتل نامرئی است، بزرگی این آمار کمتر به چشم می‌آید. ریشه‌های آلودگی هوا اما مشخص است. آلودگی هوا در تهران ناشی از دو عامل آلاینده‌های متحرک همچون خودرو، اتوبوس، موتورسیکلت و منابع آلاینده ثابت مانند نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌هاست. خلاصه‌ترش اینکه آلودگی هوا به واسطه مصرف سوخت‌های فسیلی ایجاد می‌شود و از قضا آنطور که داریوش گل‌علیزاده، سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌گوید، ایران رتبه اول را در جهان از لحاظ میزان مصرف انرژی دارد. از نگاه وی شدت مصرف انرژی معیاری است که اگر آن را کنترل کنیم و به حداقل برسانیم، شاید بسیاری از شهرها از این وضعیت آلودگی هوا نجات پیدا کند.

بین ۵۹ تا ۸۳ درصد از آلودگی هوای پایتخت به منابع متحرک آلودگی همچون خودروها و موتورهای فرسوده و فرسودگی ناوگان حمل و نقل عمومی است. بر این اساس اگر تنها مشکل آلودگی هوا را در بخش منابع متحرک حل کنیم، تعداد روزهای آلوده پایتخت از نصف مقدار فعلی نیز کمتر خواهد شد!

■ رتبه داری ایران در مصرف انرژی

گل‌علیزاده با بیان اینکه در شهری مانند تهران بارگذاری بیش از حد فعالیت و جمعیت، مصرف انرژی را افزایش می‌دهد، می‌گوید: «با عنایت به اینکه پایه سوخت تولید انرژی در کشور ما حدود ۹۴ درصد بر مبنای اتلاف سوخت‌های فسیلی است، اگر در چنین شرایطی آلودگی نداشته باشیم، جای تعجب دارد.» به گفته سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم ایران رتبه اول در جهان از لحاظ میزان مصرف انرژی را دارد که ۲/۵ برابر دنیا و ۱۵ برابر ژاپن مصرف انرژی داریم. شدت مصرف انرژی معیاری است که اگر آن را کنترل کنیم و به حداقل برسانیم، شاید بسیاری از شهرها از این وضعیت آلودگی هوا نجات پیدا کند.

وی با بیان اینکه طی سال‌های گذشته انباشت تکالیف بر جای مانده را داریم، می‌افزاید: «همین موضوع سبب شده امروز شرایط کشور در کلانشهرها به گونه‌ای باشد که هر چقدر اقدام می‌شود، به اندازه سرعت انتشار آلودگی هوا نیست.»

■ نقش خودروهای فرسوده در آلودگی هوا

رعایت حدود مجاز انتشار آلاینده‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی برای تولید و واردات خودرو از جمله شروطی است که طبق قانون هوای پاک بر آن تأکید شده‌است.

همچنین در ماده ۸ این قانون بر لزوم اسقاط خودروهای فرسوده تأکید شده‌است. بر این اساس تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مالک وسایل نقلیه موتوری اعم از سبک، نیمه‌سنگین، سنگین، موتورسیکلت مکلفند وسایل نقلیه خود را پس از رسیدن به سن فرسودگی از رده خارج و مسئولیت خود را از این جهت، نزد یکی از مؤسسات بیمه داخلی تحت نظارت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران بیمه کنند. حمل بار و مسافر، صدور گواهی معاینه فنی، تخصیص بیمه شخص ثالث، خرید و فروش، نقل و انتقال و تردد وسایل نقلیه موتوری فرسوده ممنوع است. پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران خودروهای فرسوده را به ازای هر روز تردد با عنوان ورود و تردد وسایل نقلیه غیرمجاز در معابر، محدوده‌ها و مناطقی که ممنوع اعلام شده‌است، جریمه می‌کند.

گل‌علیزاده با اشاره به اینکه در حال حاضر حدود ۶/۵ میلیون خودرو از ۲۵ میلیون خودروی شماره‌گذاری شده در کشور فرسوده است، تأکید می‌کند: «از ۱۲ میلیون موتورسیکلت شماره‌گذاری‌شده در حدود ۹/۵ میلیون موتورسیکلت فرسوده داریم و این عدد در کلانشهرها به ۷ میلیون می‌رسد.»

طبق اظهارات سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم خودروهای فرسوده هم از نظر مصرف سوخت نگران‌کننده هستند و هم از لحاظ انتشار آلودگی هوا چندین برابر یک خودروی استاندارد آلودگی منتشر می‌کنند.

طبق آماری که سردار تیمور حسینی، جانشین رئیس پلیس راهور فراجا ارائه می‌دهد هم در کشور ۴۷ درصد خودروها معادل ۱۷ میلیون وسیله نقلیه فرسوده هستند که از این میزان ۷ میلیون دستگاه در کلانشهرها در حال ترددند!

■ خودروهای فرسوده عامل نیمی از تصادفات

خودروهای فرسوده فقط از طریق آلودگی هوا نیست که باعث مرگ و میر می‌شوند و عامل اصلی تصادفات جاده‌ای هم همین خودروها هستند. سردار حسینی در همین رابطه تأکید می‌کند: «۵۰ درصد تصادفات ما تصادفاتی هستند که اگر شرایط ایمنی خودرو مطلوب و استاندارد بود، حتماً آن تصادف به وقوع نمی‌پیوست.»

از نگاه وی نقش وضعیت فنی خودرو در پیشگیری از تصادف به عنوان قابلیت پیشاوقوعی بسیار قابل توجه است.

■ گره خوردن اسقاط وسایل نقلیه فرسوده با رانت و فساد

ببینیم سرنوشت اسقاط خودروهای فرسوده به کجا رسیده و چرا اجرایی نمی‌شود؟

سمیه رفیعی، رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس معتقد است، دولت از زمانی که به طور جدی وارد عرصه اسقاط شد، روند خوبی شکل گرفت، به شکلی که توانستیم حدود ۲ میلیون خودرو فرسوده را از رده خارج کنیم، اما به این دلیل که ارائه گواهی اسقاط خودرو فقط مربوط به خودروهای وارداتی بود و خودروسازان داخلی هیچ مسئولیتی برای اسقاط خودروهای فرسوده نداشتند، از سال ۹۶ که واردات خودرو ممنوع شد، عملاً اسقاط خودرو نیز به کما رفت!

به گفته رفیعی طبق قانون ساماندهی صنعت خودرو به ازای تولید هر چهار خودرو و موتورسیکلت، یک خودروی فرسوده باید از رده خارج شود. سه ماه از ابلاغ این قانون نگذشته بود که دولت لایحه اصلاحی به مجلس ارائه کرد. در لایحه الحاقی آورده شده‌است که اسقاط یک به چهار خودروها لحاظ نشود و به ازای آن ۱/۵ درصد مبلغ تولید خودرو از تولیدکننده پول گرفته شود. بدین ترتیب تولیدکننده عملاً این مبلغ را از خریدار دریافت کرده و دیگر مسئولیتی برای اسقاط خودروهای فرسوده نخواهد داشت!

از سوی دیگر قیمت خودروهای فرسوده که دست مردم است، عملاً تابعی از قیمت خودرو نو در بازار است. بدین ترتیب رقم ۱/۵ درصد مبلغ خودرو نو مبلغ ناچیزی می‌شود که اصلاً برای دارندگان خودروهای فرسوده هیچ انگیزه‌ای برای پیش‌قدم شدن در اسقاط ایجاد نمی‌کند و قطعاً آنها راضی نمی‌شوند خودروی فرسوده خود را برای اسقاط تحویل دهند. از نگاه جانشین رئیس پلیس راهور فراجا هم فرایند اسقاط خودرو اشکال دارد. حسینی تأکید می‌کند: «حوزه اسقاط تبدیل به یک حوزه پر از رانت و فساد و انحصار شده و سود این فرایند ناقص را یک تعداد انگشت‌شمار و فرصت طلب می‌برند و آسیب‌های آن شامل توده مردم می‌شود.»

گفت‌وگو

مهسا گربندی

راهکار اثرگذاری نخبگان در کشور در گفت‌وگوی «جوان» با زهرا احتشام

مافیا نمی‌گذارد نخبه اثرگذار باشد

«حکمرانی نخبگان» شعاری است که امسال برای نشست سالانه نخبگان علمی کشور انتخاب شد و از سوی مسئولان نیز مورد تأکید قرار گرفت. این در حالی است که متأسفانه همچنان جامعه نخبگان از کمبود حمایت‌ها از جانب مسئولان و کم‌اثر بودنشان در مدیریت اجرایی کشور گلایه دارند. این وضعیت تا جایی نگران‌کننده است که رهبر انقلاب در سال‌های گذشته در دفاع از جامعه نخبگان و حرکت علمی کشور اعلام کردند تا جان دارند ذره‌ای در این‌باره کوتاه نخواهند آمد. در رابطه با وضعیت فعلی جامعه نخبگان و مطالبه آنها از مسئولان و همچنین راهکارهای اثرگذاری بیشتر نخبگان در عرصه مدیریتی اجرایی کشور، «جوان» با زهرا احتشام، دانشجوی دکترای مدیریت آموزش عالی دانشگاه تهران، برگزیده طرح شهید احمدی روشن و مشمول جایزه تحصیلی شهید وزوایی بنیاد نخبگان و دانشجوی استعداد درخشان در دوره ارشد و دکترا گفت‌وگو کرده‌است.

زهرا احتشام

خانم احتشام تعریف و معیار نخبگی چیست؟ به نظر شما آیا نخبه بودن الزاماً به معنای طی کردن مدارج دانشگاهی است؟

نخبه در لغت به معنای برگزیده و سرآمد است. از نظر من برگزیده و سرآمد کسی است که به درستی مأموریت خودش را در این جهان درک کند و به بهترین شکل آن را انجام دهد. در نتیجه نه لزوماً هر کسی که مدارج دانشگاهی و پژوهشی را با موفقیت طی کرده نخبه است و نه می‌توان گفت هر کسی مدارج دانشگاهی را طی نکرده، نخبه نیست. با این نگاه قطعاً در کنار نخبه علمی، نخبه‌های سیاسی و فرهنگی هم خواهیم داشت که موظفیم آنها را شناسایی و معرفی کنیم؛ نکته‌ای که رئیس‌جمهور هم در دیدار امسال با نخبگان روی آن تأکید کردند. مثلاً ما افراد مؤثری را در عرصه تربیتی و جهادی کشور داریم که خیلی بیشتر از یک استاد تمام تعلیم و تربیت توانسته‌اند بر تربیت درست کودک و جوان اثرگذار باشند که گاهی مدارج دانشگاهی خاصی را هم طی نکرده‌اند. این افراد قطعاً نخبه فرهنگی‌اند یا مثلاً مادرانی که در طول تاریخ کشور توانسته‌اند قهرمانان و اسطوره‌های بزرگی را تربیت کنند قطعاً نخبگان بی‌بدیلی هستند که باید معرفی شوند و الگوی نسل‌های بعد قرار گیرند.

از طرفی لزوماً هر کسی که طی مدارج دانشگاهی موفق بوده نمی‌تواند لفظ نخبه برای او اطلاق شود. در این خصوص رهبر معظم انقلاب یک مثال خوبی زدند و گفتند که یک اختلاسگر هم، فرد باهوشی است و چه بسا تحصیلات بالایی هم دارد، اما این موهبت‌ها را در مسیر اشتباهی به کار گرفته و قطعاً کسی به او نخبه نمی‌گوید. پس شناخت درست مسیر و جهت صحیح به کارگیری هوش، استعداد، علم و توانمندی‌ها برای نائل آمدن به جایگاه نخبگی خیلی مهم است.

وضعیت جامعه نخبگان را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همیشه مسائل معیشتی، اهمیت به نخبگان و وارد کردن آنها در مسائل کشور از بحث‌های مهم در میان جامعه نخبگان بوده‌است، اما چیزی که همیشه ذهن من را به خودش مشغول کرده بحث هویت نخبگان و معناداری زندگی آنها است. در حالی که نهاد آموزشی ما به آموزش تکنیک‌ها و ابزارها به دانش‌آموزان و نخبگان خیلی اهمیت می‌دهد، اما متأسفانه در شناساندن مفهوم و معنای درست زندگی و جهت صحیح استفاده از تکنیک‌ها و ابزارها موفق عمل نکرده‌است. در صورتی که نخبه حتماً باید جهت مأموریت خودش را کشف کند، معنای درست زندگی را متوجه شود و در جهت آن حرکت کند.

در این رابطه شهید مطهری یک بحث زیبایی در کتاب آزادی معنوی دارند. ایشان دو مفهوم «انسان بزرگ» و «انسان بزرگوار» را با هم مقایسه می‌کنند و می‌گویند بزرگی در برابر کوچکی است، اما بزرگواری در برابر دنائت و پستی است. همه انسان‌هایی که اسمشان در تاریخ مانده- اعم از مثبت و منفی- انسان‌های بزرگی بوده‌اند و همت بالایی داشته‌اند اما بسیاری از آنها بزرگوار نیستند. انسان بزرگ آن کسی است که همت و تلاش بالایی دارد، موهبت‌ها و ابزارهای ارزشمندی را مثل هوش، مدیریت زمان، دانش، برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌ورزی را به کار می‌گیرد و در راستای هدفش حرکت می‌کند، اما بزرگوار کسی است که این موهبت‌ها و تلاش‌ها را در جهت درست و حق استفاده می‌کند، در برابر پلیدی‌ها احساس شرافت می‌کند و همتش را در هر مسیری به کار نمی‌گیرد.

متأسفانه در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کلیت نهاد رسمی آموزشی ما انسان بزرگ تربیت می‌کند و نه بزرگوار؛ یعنی در حالی که نهاد آموزشی کشورمان تلاش می‌کند تا ابزارها و تکنیک‌ها را به نخبگان یاد بدهد، در قسمت دوم که باید به نخبگان هویت دهد و جهت زندگی را به آنها نشان دهد تا تکنیک‌ها را در چه مسیری با چه آرمانی و در چه چارچوب معنایی به کار بگیرند، لنگ می‌زند. اگر امروز برخی از نخبگان توانسته‌اند در این قسمت وضعیت خوبی داشته باشند، آن را مدیون خانواده و نهادهایی غیر از نهاد آموزش رسمی هستند.

شما به عنوان یک نخبه چه مطالباتی دارید؟

یک مطالبه جدی من از مسئولان امر بحث نظارت بر گروه‌های آموزشی دانشگاه در مسئله جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه است. یک بخش مهمی از قشر تحصیلکرده و نخبه‌مان، علاقه‌مند هستند وارد بدنه دانشگاه شوند و کارهای پژوهشی و تدریس داشته باشند و عضو هیئت علمی شوند، از آن طرف هم دانشگاه‌ها اعلام می‌کنند که نیازمند جذب اعضای هیئت علمی هستند، اما بدون هیچ رویه مشخصی و بدون هیچ پاسخگویی خاصی، افراد با رزومه‌های قوی رد می‌شوند و متأسفانه ساز و کار جذب اعضای هیئت علمی مشخص نیست. تا جایی که بارها دیده شده سلیقه‌های فردی و باندبازی‌ها و حتی چیزی شبیه به مافیایی که در برخی از گروه‌های آموزشی برخی دانشکده‌ها وجود دارد، تصمیم یک فرد خاصی که در گروه آموزشی نفوذ دارد، باعث می‌شود متقاضی جذب شود یا نشود، بنابراین باید حتماً شایسته‌سالاری و نظارت مشخصی در جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها اتفاق بیفتد.

مسئله بعدی آسان‌سازی فضای کسب‌وکارها است. خیلی از نخبگان به ایجاد درگاه یکپارچه صدور مجوزها به صورت الکترونیکی امید بسته بودند. قرار بود تا با این درگاه یکپارچه، مجوزهای کسب‌وکارها در هر وزارتخانه‌ای به صورت الکترونیکی و بدون پیچ‌وخم‌های بوروکراسی خنده‌دار و وقت‌گیر صادر شود، اما متأسفانه همه وزارتخانه‌ها پای کار نیامدند و به سرانجام نرسید.

مسئله سوم نیز مسئله آمایش رشته‌ها به دور از صرفاً ارزش‌گذاری مادی است. باید حواسمان باشد که لزوماً همه رشته‌ها نباید درآمدساز باشند و همه رشته‌ها ارزششان نباید براساس میزان درآمدی که تولید می‌کنند سنجیده شود. چه بسا در رشته‌ای مثل فلسفه باید «حکیم» تربیت شود و نه فردی که تولید درآمد کند. در برخی از رشته‌ها باید سرمایه اجتماعی تولید شود و نه سرمایه مادی. متأسفانه برخی از مدیران دانشگاه می‌گویند فلان دانشکده باید قدرت و اختیار بیشتری داشته باشد، چون بخش مهمی از بودجه دانشگاه را تأمین می‌کند. بله یک دانشکده بنابر ماهیت رشته‌اش تولید درآمد بیشتری می‌تواند داشته باشد، اما یک دانشکده‌ای وظیفه‌اش تولید درآمد نیست و باید تولید اندیشه و حکمت کند.

> تغییر نگرش در میان نخبگان، یعنی تغییر در آن تصوری که در میان نخبگان وجود دارد که حتماً باید سمتی در دستگاه اجرایی بگیرند تا در آن اثرگذار باشند. بله این یک مسیر خوب است، اما به نظر من یک مسیر اثرگذارتر این است که نخبگان بر پایه توانمندی‌های خودشان، مجموعه‌های توانمند و اثرگذار خودشان را ایجاد کنند که دستگاه اجرایی نیازمند آن مجموعه‌ها باشد و دیگر نتواند آنها را نادیده بگیرد

راهکارهای اثرگذاری بیشتر نخبگان را در عرصه مدیریتی اجرایی کشور چه می‌دانید؟

دو اتفاق باید به صورت همزمان بیفتد؛ یکی تغییر نگرش در خود نخبگان و یکی تغییر نگرش در مسئولان. تغییر نگرش در میان نخبگان، یعنی تغییر در آن تصوری که در میان نخبگان وجود دارد که حتماً باید سمتی در دستگاه اجرایی بگیرند تا در آن اثرگذار باشند. بله این یک مسیر خوب است، اما به نظر من یک مسیر اثرگذارتر این است که نخبگان بر پایه توانمندی‌های خودشان، مجموعه‌های توانمند و اثرگذار خودشان را ایجاد کنند که دستگاه اجرایی نیازمند آن مجموعه‌ها باشد و دیگر نتواند آنها را نادیده بگیرد. در این زمینه نیز مجموعه‌های موفقی داشتیم که بدنه اجرایی و دولت از یکجایی به بعد نتوانسته آنها را نادیده بگیرد و مجبور به عقد قرارداد و تفاهمنامه با آنها شده‌است.

مسئله دیگر هم تغییر نگرش مسئولان، سیاست‌ها و فرآیندهای موجود در این دستگاه‌ها است و باید روی بحث شایسته‌سالاری به صورت جدی تمرکز شود. در حال حاضر در سازمان اداری استخدامی رویکرد جدیدی حاکم شده‌است که کانون‌های ارزیابی شایستگی را به منظور انتخاب مدیران دنبال می‌کند، حتی یکسری فرصت‌های شغلی را برای اعضای بنیاد ملی نخبگان در نظر گرفته که می‌تواند ارزشمند باشد. امید است تا تغییر نگرش برای تمام مسئولان اجرایی کشور برای استفاده از اندیشه نخبگان اتفاق بیفتد.

این نکته را باید در نظر گرفت که لزوماً نخبگان اثرگذاریشان از طریق کار اجرایی نیست. نخبه خیلی وقت‌ها کارش تولید فکر است و اگر درگیر کار اجرایی شود، از کار اصلی‌اش که فکر است، باز می‌ماند. باید خیلی وقت‌ها برای نخبه جایی در نظر گرفته شود که تولید فکر و اندیشه و سیاست کند و مسئولان از این فکر، اندیشه و سیاست استفاده کنند.

به نظر شما چرا مهاجرت نخبگان اتفاق می‌افتد؟ شرایط باید به چه شکلی تغییر کند تا کمتر نخبه‌ای تصمیم به مهاجرت بگیرد؟

به نظر من سه اتفاق به صورت موازی و همزمان باید بیفتد؛ اول، تقویت هویت نخبگان است که نقش اصلی در این زمینه را خانواده‌ها و مدارس ایفا می‌کنند. دوم، تغییر رفتار اساتید دانشگاهی و سوم، تغییر رفتار مسئولان است که هر سه مورد باید به صورت همزمان و موازی پیش بروند.

در خصوص تقویت هویت نخبگان، آن چیزی که در حوزه تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتد و مخصوصاً در فضای برخی مدارس خاص شاهدش هستیم، این است که گاهی والدین اصرار دارند به فرزندشان مهارت‌هایی آموخته شود که هر چه زودتر بتواند مهاجرت کند. این یک پدیده فوق‌العاده خطرناک است. خاطرم هست در مدرسه‌ای برنامه‌ای ترتیب داده شد که نخبگان موفقی که به کشور بازگشته و توانسته‌اند موقعیت‌های خیلی خوبی در شرکت‌های دانش‌بنیان یا مراکز علمی مثل پژوهشگاه رویان داشته باشند، به دانش‌آموزان معرفی شوند. متأسفانه در کمال تعجب برخی خانواده‌ها به جای تشکر اعتراض کردند که چرا نمونه‌های موفق داخل کشور را به فرزندانمان معرفی می‌کنید و باعث می‌شوید برای رفتن مردد شوند؟! همین افراد وقتی دانشمندان خودمان در اوج محدودیت‌ها موفق به تولید پیشرفته‌ترین واکسن‌ها شدند، آنها را تحقیر کردند.

در رابطه با تغییر رفتار اساتید دانشگاه نیز باید بگویم در حال حاضر بدنه‌ای از برخی اساتید دانشگاهی داریم که اصرار به ترغیب دانشجو به سمت مهاجرت دارند و من خودم شاهد این بودم که دانشجویی تصمیم گرفته‌بود در داخل کشور ادامه تحصیل دهد، اما مدام از طرف استادش سرزنش می‌شد که چرا چنین تصمیمی گرفته‌است؟ متأسفانه برخی اساتید به صورت پررنگی دانشجوها را به سمت مهاجرت سوق می‌دهند، بدون اینکه متوجه باشند که خودشان بخشی از پازلی هستند که باید برای جوانان نخبه، امیدآفرین شوند و دست آنها را بگیرند تا این بچه‌ها موجب آبادانی کشورشان شوند. استادی که صرفاً مقاله‌نویسی بلد است و هیچ تلاشی در جهت کاربرد دانش خود و کارآفرینی ندارد، خودش مهم‌ترین عامل برای سرخوردگی دانشجویان است. البته اساتیدی را هم می‌شناسم که مثلاً خودشان به صورت موفق شرکت‌های دانش بنیانی را اداره می‌کنند که دانشجویانشان را در این مجموعه‌ها مشغول به کار و برای این جوانان امیدآفرینی کرده‌اند.

و سومین مسئله یعنی تغییر رفتار مسئولان نیز باید اتفاق بیفتد و مسئولان در تکاپوی حفظ نخبگان باشند. چند سالی است که در بنیاد ملی نخبگان اتفاقات اصلاحی شروع شده و همچنان هم در حال انجام است، اما در زمینه‌های مختلف مثل نظارت بر فرآیند جذب اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها، آسان‌سازی راه‌اندازی کسب‌وکارها و درگاه الکترونیکی صدور مجوزها باید کارهایی صورت گیرد تا نخبگان دلگرم شوند.

شما نخبه‌ای را که مهاجرت کرده نخبه بد می‌دانید؟

نه این طور نیست. بستگی دارد که نخبه در چه شرایطی مهاجرت کند، هدفش از مهاجرت چه باشد و چه تصویری از خودش در کشور دیگر به جای بگذارد. اگر نخبه بداند که با ماندنش در کشور موقعیتی برایش مهیا است که می‌تواند مشکلی از مشکلات کشورش را حل کند، اما برای رسیدن به رفاه بیشتر، کشورش را ترک می‌کند به نظر من کار درستی نکرده‌است؛ مثلاً زندگینامه دکتر کاظمی آشتیانی، مؤسس پژوهشگاه رویان در این‌باره خیلی الهام‌بخش است.

همچنین اگر هدف نخبه از مهاجرت این باشد که از علم و امکاناتی که در کشور مقصد وجود دارد استفاده کند و توشه خودش را ببندد به این امید که به آرمان‌های کشور کمک کند نیز پذیرفته است. در آخر، تصویری که نخبه مهاجر از خودش در کشور مقصد بر جای می‌گذارد خیلی مهم است. هر یک از دانشجویان مهاجر ما می‌توانند سفیری برای تبلیغ ارزش‌های تمدنی ما به سایر کشورها باشند. به نظرم کتاب خاطرات سفیر دکتر نیلوفر شادمهری در این زمینه خیلی الهام‌بخش است. اینکه چگونه یک دانشجوی نخبه ایرانی در فرانسه توانسته است سایر فرهنگ‌ها را مجذوب خود کند و حتی یک دانشجوی امریکایی را به آیین خود درآورد، بنابراین این مهاجرت با مهاجرت نخبه‌ای که خودش را می‌بازد و در فرهنگ کشور مقصد حل می‌شود و نه تنها تصویری از کشور خودش نشان نمی‌دهد، بلکه ارزش‌ها و هویت بومی خودش را نیز فراموش می‌کند، خیلی تفاوت دارد.

آیا حمایت‌ها از شما و سایر نخبگان کافی بوده‌است؟

قطعاً خیر. من همیشه می‌گویم دو حوزه فرهنگ و نخبگان در کشورمان مظلومند. وقتی ارقام بودجه در نظر گرفته شده برای نخبگان و همچنین برخورد مسئولان با نخبگان در این دو حوزه را نگاه کنیم، می‌بینیم که حمایت‌ها در این دو حوزه به هیچ وجه کافی نبوده‌است.

لطفاً از روز دیدار با رهبری و خاطره‌ای از آن روز برایمان بگویید.

تمام فرمایشات رهبر معظم انقلاب برایم عزیز و ماندگار بود، اما سه موضوع در روز دیدار با رهبر معظم انقلاب خیلی به دلم نشست. یکی اینکه فرمودند شما جوان‌هایی که با وجود این همه حمله فکری و رسانه‌ای دشمن همچنان معتقد به آرمان‌های انقلاب اسلامی هستید، نشانه‌ای از حقانیت انقلاب اسلامی هستید. در واقع ایشان جوانان معتقد به آرمان‌های انقلاب را نشانه‌ای بر حقانیت انقلاب دانستند و این خیلی برایم عزیز و باعث افتخار بود. یک جمله دیگر هم اینکه من خطاب به رهبر انقلاب گفتم: «دوستان زیادی دارم که برخی‌شان ظاهر و پوشش‌شان شبیه من نیست، اما به شما سلام رساندند.» و ایشان با محبت و با یک حس نابی سلام آنها را برگرداندند و من را واسطه کردند که سلام ایشان را به آنها برسانم. در آخر دعایی که از ایشان خواستم تا با مهر پدرانه و به صورت خاص در حق من کنند. همه اینها به یاد ماندنی‌ترین سکانس‌های زندگی من از لحظات عمرم خواهد بود.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۷۱۸

آداب و رسوم قدیمی ما گاهی محشر است!
رسم بازار بود. صبح که کرکره را بالا می‌کشیدند، یک صندلی پشت در دکان می‌گذاشتند. اولین مشتری که می‌آمد و خرید می‌کرد، صندلی را برمی‌داشتند... یعنی ما دشت اول را گرفته‌ایم.
مشتری دوم که می‌آمد، حتی اگر جنس مورد نیاز او در دکان موجود بود، مغازه‌دار نگاهی به بیرون می‌انداخت تا ببیند صندلی کدام دکان همچنان پشت در است. مشتری را به همان دکان می‌فرستاد!
این روال ادامه داشت تا همه مغازه‌ها دشت اول را بگیرند!
خدای من! چه قشنگ هوای هم را داشتند. پای درد دلشان که می‌نشستی، می‌گفتند مگر ما به جز هم که را داریم؟
آنچه که از سر گذشت، شد سر گذشت / حیف بی‌دقت گذشت، اما گذشت
تا که خواستیم یک دو روزی فکر کنیم / بر در خانه نوشتند درگذشت

پیام جوان

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماست. دلگویه‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی با شماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ یا تلفن: ۸۸۴۹۸۴۴۸ پذیرا و شنوا هستیم. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.

اسکن کنید

■ **شهروند - تهران:** به خاطر کم‌کاری بعضی از وزرا و مدیران و برخی مسئولان بی‌کفایت و ایجاد نارضایتی، عده‌ای با رکیک‌ترین کلمات به نظام توهین می‌کنند چرا با فراهم کردن این وضعیت باعث شده‌اید به انقلاب و پرچم عزیزمان که برای سرافرازی این ملت و پرچم خون‌های زیادی ریخته شده‌است، چنین جسارت‌هایی شود؟ از آقای رئیس‌جمهور تقاضا می‌کنم که به بحث دارو و دیگر اقلام ضروری مردم با جدیت بیشتری ورود کنند. چرا مردم برای تهیه یک آنتی‌بیوتیک باید سرگردان داروخانه‌ها شوند؟ چرا وزارت بهداشت برای دارو پیش‌بینی‌های لازم را نکرده بود؟ چرا وزارت جهاد نسبت به افزایش‌های بی‌رویه قیمت مرغ و گوشت ساکت است؟ به فکر این مردم فهیم باشید. بیشتر تلاش کنید. برای هر کدام از این صندلی‌های مسئولیتتان خون‌های پاک جوانان این مرز و بوم ریخته شده‌است. خودتان را مدیون شهیدان نکنید.

■ **شهروند - اندیشه شهریار:** قبل از انقلاب مغازه‌داران موظف بودند بیرون هر مغازه یک پرچم آویزان کنند. از سازمان‌های دخیل در حوزه شهرسازی و اماکن نیروی انتظامی تقاضا می‌کنم که با وضع قوانینی مغازه‌داران و سازمان‌های خصوصی را ملزم به استفاده از پرچم در سردر محل کسب خود کنند، تا تمام شهر به پرچم مقدس کشورمان مزین شود. خواهش دیگر من این است که مسئولان نسبت به بی‌احترامی به پرچم و سرود ملی با ضعف برخورد نکنند. هر روز شاهد هستیم که تیم‌های ورزشی‌مان که با پول و هزینه‌نظام به اینجا رسیده‌اند، در کمال بی‌احترامی از خواندن سرود ملی عزیزمان خودداری می‌کنند. مسئولان وزارت ورزش با این افراد و دیگر ورزشکاران خاطی برخورد کنند.

■ **شهروند - تهران:** در خبرها اعلام‌شده که خط فقر در کشور به بالای ۱۷ میلیون تومان رسیده‌است. مسئولان کشور وقتی که افزایش حقوق‌های کارگری و کارمندی را به تصویب می‌رسانند، براساس چه محاسباتی به این اعداد می‌رسند، در حالی که خط فقر در کشور این‌قدر بالا رفته‌است؟ آیا می‌توان با این حقوق‌های کم از پس هزینه‌های بالا برآمد؟ در همین چند روز اخیر هم با بالا رفتن دلار بعضی از فروشندگان کالا به بهانه بالا رفتن قیمت ارز، سریع‌ترین افزایش قیمت‌ها را به نام خودشان ثبت کردند.

خبر کوتاه

■ سرپرست معاونت امور فرهنگی و اجتماعی شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه از اجرای طرح «کتاب در گردش» با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و گرامیداشت هفته کتاب و کتابخوانی در متروی تهران خبر داد.

■ معاون بیمه‌ای سازمان تأمین‌اجتماعی از اجرایی‌شدن مصوبه کمیسیون موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی مبنی بر تعیین کمک هزینه مسکن کارگران مشمول قانون کار از ابتدای فروردین ۱۴۰۱ خبر داد.

■ رئیس اداره مراقبت مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: پرهیز از مصرف آنتی‌بیوتیک در شروع بیماری‌های ویروسی یک اصل است، اما بعد از هفته اول بیماری در صورت بروز عوارض میکروبی ممکن است با نظر پزشک آنتی‌بیوتیک تجویز شود.

■ مشاور رئیس سازمان غذا و دارو تأکید کرد که گزارش تخلف و کم‌کاری شرکت‌های داروساز تهیه شده و در صورت لزوم در اختیار مراجع قضایی برای برخورد با متخلفان قرار خواهد گرفت.

■ شهردار تهران از صدور شناسنامه ایمنی برای ساختمان‌های بلندمرتبه با همکاری ۹ دستگاه مرتبط خبر داد.

■ رئیس شورای اسلامی شهر تهران با تأکید بر اینکه تهران یکی از ۱۰ شهر بحران‌زا در دنیاست، گفت: برای ایمن‌سازی شهر تهران باید تلاش زیادی انجام دهیم.

■ وزیر آموزش و پرورش گفت: دانش‌آموزانی که نظام قدیم آموزشی هستند باید بتوانند یک آزمونی بدهند که استاندارد باشد و بعد سوابق آنها را به سازمان سنجش ارسال کنیم.

■ معاون سازمان سنجش درباره سهم نمرات عمومی تخصصی در کنکور ۱۴۰۲ گفت: از سهم ۴۰ درصدی قطعی سوابق تحصیلی، ۲۶ درصد مربوط به دروس عمومی و ۱۴ درصد برای دروس اختصاصی است همچنین کنکور سهم ۶۰ درصدی دارد که صرفاً از دروس تخصصی است.

■ رئیس سازمان مدیریت بحران کشور با اشاره به اینکه ۱۳۰ ایستگاه لرزه‌نگاری در کشور احداث شده‌است، گفت: باید ۱۴۰۰ ایستگاه لرزه‌نگاری در کشور داشته باشیم.

■ رئیس سازمان غذا و دارو با بیان اینکه تا زمانی که کمبودها رفع نشده نیاز مردم از طریق واردات در کنار تولید داخل رفع خواهد شد؛ از راه‌اندازی خط تولید جدید سرم تا دو ماه آینده خبر داد.

■ معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش از راه‌اندازی ۴۰ هنرستان مرزی در سال تحصیلی آینده خبر داد.

■ معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه دستگاه‌ها وظایف خود را در حوزه آسیب‌های اجتماعی زنان انجام دهند، گفت: در سال‌های اخیر شاهد گسترش آسیب‌ها به ویژه در حوزه زنان و خانواده هستیم.